

ج- روایات تؤكد أنّ صاحب الأمر والقائم يُعرف بالوصية:

ج- روایاتی که تأکید می کنند که صاحب الأمر و قائم (ع)، با وصیت شناخت

می شود:

الصدوق: [12- ... عن الحارث بن المغيرة النصري، قال: قلت لأبي عبد الله (ع): بم يعرف صاحب هذا الأمر (ع) قال: بالسكينة والوقار والعلم والوصية] الخصال: ص ۲۰۰.

24- صدوق: حارث بن مغیره نصری می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: صاحب الأمر (ع) چگونه شناخته می شود؟ فرمود: «با آرامش، سنگینی، علم و وصیت». (خصال: ص ۲۰۰)

النعمانی: [67- ... عن جابر بن يزيد الجعفي، قال: قال أبو جعفر محمد بن علي الباقر (ع): يا جابر، الزم الأرض ولا تحرك يداً ولا رجلاً حتى ترى علامات أذكرها لك إن أدركتها ... قال: فيجمع الله عليه أصحابه ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، ويجمعهم الله له على غير ميعاد قزاً قزاً كقزع الخريف، وهي - يا جابر - الآية التي ذكرها الله في كتابه: (أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعاً إن الله على كل شيء قدير) فيبأيعونه بين الركن والمقام، ومعه عهد من رسول الله (ص) قد توارثته الأبناء عن الآباء ...] الغيبة: ص ۲۸۸ - ۲۹۱.

25- نعمانی: امام محمد باقر (ع) فرمود: «ای جابر! در زمین استوار باش و دست و پای خودت را حرکت نده (و کاری نکن) تا این که نشانه هایی که برای تو می گویم را ببینی؛ البته اگر آن نشانه ها را درک کنی.... فرمود: خداوند برای او سیصد و سیزده نفر یارانش را جمع می کند. خدا برای او (یارانش را) جمع می کند، بدون وعده ی قبلی، مثل جمع شدن (و افتادن برگ های) پاییزی. ای جابر! این همان آیه ای است که خداوند در کتاب خودش یاد نموده است، «هر کجا باشید، خدا همه ی شما را می آورد، خداوند بر همه چیز توانا است»». با ایشان بین رکن و مقام بیعت می کنند. همراه او عهده ی از

جانب رسول خدا (ص) می باشد که فرزندان از پدران به ارث بردند...». (غیبت: ص ۲۸۸-۲۹۱)

الصفار: [حدثنا محمد بن أحمد عن محمد بن عيسى عن حماد بن عيسى عن عبد الأعلى عن أبي- عبد الله (ع) ... قال: يعرف صاحب- هذا الأمر- بثلاث خصال لا تكون في غيره: هو أولى الناس بالذي قبله وهو وصيه وعنده سلاح رسول الله (ص) ووصيته، وذلك عندي لا أنزع فيه] بصائر الدرجات: ص ۲۰۲.

26- صفار: امام صادق (ع) فرمود: «صاحب الأمر با سه ویژگی شناخته می شود که در غیر از او نیست: او نسبت به فرد قبلی از بقیه ی مردم، اولویت بیشتری دارد، او وصی او است، و نزد او سلاح و وصیت رسول الله (ص) می باشد. آن نزد من است و فردی با من در مورد آن نزاع نمی کند». (بصائر الدرجات: ص ۲۰۲)

27. العياشي: [117- عن جابر الجعفي عن أبي جعفر (ع) يقول: الزم الأرض لا تحركن يدك ولا رجلك ابدا حتى ترى علامات اذكرها لك في سنة ... فيقول رجل من آل محمد (ص) وهي القرية الظالمة أهلها، ثم يخرج من مكة هو ومن معه الثلاثمائة وبضعة عشر يبائعونه بين الركن والمقام، ومعه عهد نبي الله ورايته وسلاحه ووزيره معه، فينادى المنادى بمكة باسمه وأمره من السماء حتى يسمعه أهل الأرض كلهم، اسمه اسم نبي، ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبي الله (ص) ورايته وسلاحه. والنفس الزكية من- ولد- الحسين، فان أشكل عليكم هذا فلا يشكل عليكم الصوت من السماء باسمه وأمره. وإياك وشذاذ من آل محمد، فان لآل محمد وعلي راية ولغيرهم رايات، فألزم الأرض ولا تتبع منهم رجلا أبداً حتى ترى رجلاً من ولد الحسين، معه عهد نبي الله ورايته وسلاحه، فان عهد نبي الله صار عند علي بن الحسين، ثم صار عند محمد بن علي ويفعل الله ما يشاء ...] تفسير العياشي: ج ۱ ص ۶۵.

27- عياشي: امام باقر (ع) فرمود: «ای جابر! در زمین استوار باش و دست و پای خودت را حرکت نده (و کاری نکن) تا این که نشانه هایی که برای تو می گویم را در سالی بینی... مردی از آل محمد (ع) می گوید، و آن شهری است که ساکنان آن ستم کار هستند. سپس از مکه بیرون می آید. با او سیصد و سیزده نفر هستند و با او بین رکن و

مقام بیعت می‌کنند. همراه او عهد پیامبر خدا (ص) و پرچم او و سلاح او است و وزیر ایشان با او است. منادی در مکه با نام او صدا می‌زند و امر او از آسمان است، تا این که همه‌ی ساکنان زمین، آن را می‌شنوند. نام او نام پیامبر (ص) است. هر چیزی برای شما ایجاد اشکال نمود، عهد پیامبر خدا (ص) و پرچم و سلاح او برای شما ایجاد اشکال نکند. نفس زکیه، از فرزندان حسین (ع) است. اگر این مسأله برای شما ایجاد مشکل نمود، ندا از آسمان به نام او، برای شما ایجاد مشکل نمی‌کند. برحذر باش افرادی که به دروغ خود را به آل محمد (ع) مُنتسب می‌کنند. برای آل محمد (ع) و علی (ع) یک پرچم وجود دارد در حالی که برای غیرآنها پرچم‌هایی است. در زمین استوا باش و ابداً از هیچ فردی تبعیت نکن تا این که مردی از فرزندان حسین (ع) را ببینی که همراه او عهد پیامبر خدا (ص) و پرچم و سلاح او است. عهد پیامبر خدا (ص) نزد علی بن حسین (ع) بود، سپس به محمد بن علی (ع) رسید و خدا هر آنچه بخواهد، انجام می‌دهد...». (تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۶۵)